

تحلیل هنر خام در آثار تجسمی بیماران روانی (مورد مطالعاتی: بیمارستان دکتر حجازی)

فاطمه رسا / دانشجوی کارشناسی ارشد نقاشی، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران.*
f.rasa@ferdowsmashhad.ac.ir

چکیده

اصطلاح هنر خام توسط ژان دوبوفه، نقاش برجسته فرانسوی بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد که به هنری اشاره دارد که نشأت گرفته از افرادی است که به گونه‌ای از جامعه فاصله دارند. این افراد شامل بیماران روانی، زندانیان، انسان‌های ترد شده که دچار ترومای شدید هستند و معتادان حواشی‌نشین و انسان‌هایی از این قبیل می‌باشد. این افراد هیچ‌گونه تعلیمی در این باره ندیده‌اند و خلاف قوانین و تنها بر اساس رویاها و تخیلات خود به خلق اثر هنری می‌پردازند. هدف از این پژوهش، بررسی هنر خام در آثار بیماران روانی است و به این امر می‌پردازم که چگونه آثار این بیماران را جزو هنر خام بدانیم. به این منظور، به بررسی آثار بیماران روانی کارگاه هنر، واقع در واحد کار درمانی بیمارستان روانی دکتر حجازی مشهد پرداختم و آثار هنری این بیماران را از دیدگاه هنر خام مورد بررسی قرار دادم. در این کارگاه که به مدت سه ماه از بیماران آثاری دریافت شد، تعدادی از افراد را یافتیم که استعدادی نهفته در زمینه هنر داشتند. در این کارگاه، هنر درمانی را جدا از این پژوهش دانستیم؛ چراکه هدف اصلی هنر درمانی درمان است؛ نه آفرینش هنری. آثاری که در این کارگاه توسط بیماران روانی تولید می‌شد، با نهایت آزادی عمل و بدون هیچ‌گونه آموزش قبلی و تنها برای بیان شخصی احساسشان در لحظه شکل گرفته بود. در این میان، آثار برخی از بیماران دارای ارزش هنری در خور توجهی بود که بیمار به طور ناخودآگاه و با شور و شوق درونی به خلق آن پرداخته و خود به این امر واقف نبود و ادعایی در این زمینه نداشت، بنابراین این امر خام بودن آثار این افراد را به ما نشان می‌دهد و می‌توانیم آنان را هنرمندان خام و دور افتاده‌ای از جامعه بدانیم که نیاز به معرفی و دیده شدن در جامعه هنری را دارند.

کلیدواژه‌ها: هنر خام، بیمار روانی، نقاشی، مجسمه.

Analysis of Outsider Art in Visual Works of People with a Mental Health Condition (Case Study: Hejazi Mental Hospital)

Fatima Rasa / Master's student in painting, Faculty of Arts, Ferdows Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.*

f.rasa@ferdowsmashhad.ac.ir

Abstract

The term outsider art was coined by Jean Dubuffet, a prominent French painter after World War II, which refers to art that originates from people who are somehow alienated from society. These people include people with mental health conditions, prisoners, fragile people who are suffering from severe trauma, people with an addiction living on the outskirts, and people like that. These people have not seen any teaching about this, and they create works of art against the rules and only based on their dreams and imaginations. The purpose of this research is to examine outsider art in the works of people with mental health conditions, and I will discuss how to consider the works of these patients as natural art. For this purpose, I investigated the works of people with a mental health condition in the art workshop in the Occupational Therapy Unit of Hejazi Mental Hospital of Mashhad. I examined the artworks of these patients from the point of view of outsider art. In this workshop, which received work from patients for three months, I found several people with a hidden talent in the field of art. In this research, we considered art therapy apart from this research because the primary goal of art therapy is treatment, not artistic creation. The works produced in this workshop by people with mental health conditions were created with the utmost freedom of action, without any previous training, and only to express their personal feelings at the moment. In the meantime, the works of some patients had an artistic value worthy of attention, which the patient created unconsciously and with inner enthusiasm. He was unaware of this and had no claim in this field, so this is the rawness of the works. It shows us these people, and we can consider them as raw and distant artists from society who need to be introduced and seen in the artistic society.

Keywords: outsider art, mental patient, painting, sculpture.

مقدمه

ارتباط بین هنر و بیماران روانی از کنجکاوانه‌ترین مباحثی است که از دیرباز مورد توجه بسیاری بوده است. در دوران باستان، افلاطون معتقد بود پیوندی میان هنر و بیماری روانی بوده است و تا قرن ۱۹ با ظهور نظریه روان‌کاوی و با نقدهای روان‌کاوانه هنر ادامه یافت. حد و مرز هنر و ضد هنر و هنر و هر آنچه هنر نیست و هنر و زندگی مبهم است. در حالی که زیبایی‌شناسی قرن بیستم گستره هنر را بسط داده است؛ به طوری که تعیین حد و مرز هنر را ناممکن می‌سازد. هنر بیگانه، هنر خام که همواره هنری حاشیه‌ای باقی می‌ماند نیز دارای حدود نامشخص است. در این مقاله، به بررسی هنر خام بیماران روانی بیمارستان حجازی مشهد می‌پردازم. هنر خام یا هنر بیگانه که نشأت گرفته از هنر افرادی است که شرایط اجتماعی جامعه را نمی‌پذیرند و به اصطلاح ترد شده‌اند، این افراد شامل بیماران روانی، زندانیان، انسان‌های ترد شده که دچار ترومای شدید هستند و معتادان حواشی نشین می‌باشند. این افراد هیچ‌گونه تعلیمی در این باره ندیده‌اند و خلاف قوانین و تنها بر اساس رویاها و تخیلات خود به خلق اثر هنری می‌پردازند. برای این منظور، به بررسی و تحلیل آثار تجسمی بیماران روانی در بیمارستان دکتر حجازی پرداخته‌ام. این مطالعه سعی دارد به بررسی هنر خام و وجوه هنری و تجسمی این آثار در مقابل هنر رسمی و تعلیم یافته بپردازد.

در این پژوهش، آثار کارگاهی بیماران روانی را باید از هنر درمانی جدا بدانیم؛ چراکه هدف اصلی هنر درمانی درمان است نه آفرینش هنری. آثاری که در این کارگاه توسط بیماران روانی تولید می‌شود، با نهایت آزادی عمل و بدون هیچ‌گونه آموزش قبلی است و تنها برای بیان شخصی احساسشان در لحظه شکل گرفته است. در این میان، آثار برخی از بیماران دارای ارزش هنری درخور توجهی است که بیمار به طور ناخودآگاه و با شور و شوق درونی به خلق آن پرداخته و خود به این امر واقف نیست.

پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی انجام شده، هیچ‌گونه پیشینه‌ای برای این پژوهش یافت نشد که در مسئله با آن مشترک باشد.

روش پژوهش

روش پژوهش به لحاظ ماهیت، کاربردی است. روش در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای و مشاهده آثار و میدانی است. روش تحلیل در این پژوهش، کمی و کیفی است. ۱۰ عکس از آثار دریافت شده از جامعه آماری مورد مطالعه برای تحلیل انتخاب شده است.

هنر خام

اصطلاح «هنر بیرونی» (Art Brut) یا «هنر خام» (Outsider art) به شیوه‌ای بسیار باز به آثار خارق‌العاده‌ای اطلاق می‌شود که توسط افرادی ساخته شده‌اند که به نوعی در حاشیه جامعه قرار دارند و به هر دلیلی که باشند، خود را قادر به تطبیق با شرایط متعارف نمی‌دانند. الزامات - اجتماعی و روانی و همچنین هنری - فرهنگی که در آن ساکن هستند، چیزی که این اثر را خارق‌العاده می‌کند، این واقعیت است که توسط افرادی ساخته شده است که هیچ آموزشی ندارند و آن قدر از انتظارات «عادی» دور هستند که حتی ممکن است خود را «هنرمند» تصور نکنند، چه رسد به اینکه «بیگانه» باشند. این ما هستیم که کارشان را قابل توجه می‌دانیم. اولاً به این دلیل که به نظر می‌رسد هیچ سابقه‌ای در دنیای هنر که با آن آشنا هستیم ندارد و ثانیاً به این دلیل که به نظر می‌رسد آن‌ها هیچ یک از انگیزه‌های معمول برای ساختن هنر ندارند (یک بار توسط فروید خلاصه می‌شود: شهرت، پول و عشق زنان). بیشتر از این، بسیاری از طرفداران هنر خام معتقدند که این هنر قدرتمندتر، هیجان‌انگیزتر و بدیع‌تر از هنر جریان اصلی است؛ چه مدرنیست و چه معاصر. مطمئناً میزان چنین آثاری که در طول پنجاه سال گذشته کشف شده است، چشمگیر و همچنین در تنوع آن گیج‌کننده است، اما آنچه به عنوان تضاد رادیکال با اشکال پذیرفته شده هنر آغاز شد، نمی‌تواند برای همیشه خارج از فرهنگی باشد که زمانی ادعا می‌کرد از آن مستقل است: با وجود بدبینی یا خصومت اولیه، هنر بیرونی به تدریج در حال جذب شدن است. نمایشگاه‌ها و نشریات اختصاص یافته به آن زیاد می‌شود، گالری‌ها و موزه‌ها آن را به دست می‌آورند و بدون شک بر بسیاری از هنرمندان معاصر نیز تأثیر گذاشته است. اصطلاح «هنر بیرونی» به خودی خود به وجود نیامده است. با تمام وجود از زمانی که راجر کاردینال برای اولین بار آن را ابداع کرد، بیش از سی سال است که به اشکال مختلف و متنوع، موضوع اشتیاق و مناقشه بوده است. در واقع، تصویر او از شکل

رادیکال خلاقیت که خارج از آموزش و فرهنگ است. نسخه‌ای از چیزی که به اواخر دهه ۱۹۴۰ بازمی‌گردد، زمانی که هنرمند ژان دوبوفه مفهوم «Art Brut» را مطرح کرد: هنری مستقیم، بی‌گناه، حتی خام (به معنای خام یا شیرین نشده) و کاملاً برخلاف پیچیدگی بیش از حد معمول فرهنگ. نوشته‌های دوبوفه و مجموعه‌ای که او پس از جنگ جهانی دوم شروع به ساختن کرد، با هم به تهاجمی مستقیم به استانداردهای نادرست دنیای هنر تبدیل شد. دوبوفه در سبک معمول جدلی خود، حتی به چهره‌های نمادین هنر مدرن مانند ون گوگ نیز حمله کرد: شاید منصفانه باشد که بگوییم این راه هنرمند بزرگ و در نتیجه اغراق در آزادی اثر از قراردادهای بود که خشم او را برانگیخت. برعکس، این کار کارهایی که توسط مردمی چنان فروتن خلق شده بود که حتی خود را هنرمند هم نمی‌پنداشتند. اولین چیزی بود که او را جذب کرد. شاید این یک پارادوکس اجتناب‌ناپذیر باشد که مجموعه او اکنون در یک موزه زیبا در لوزان نگهداری می‌شود و آنچه که به عنوان یک چالش آغاز شد، اکنون در این زمینه اقتدار خاص خود را پیدا کرده است. «Art Brut» را می‌توان ادامه و تشدید یک ویژگی معمولی و گسترده مدرنیسم دانست. جست‌وجو برای اشکال جدید و بدیع خلاقیت در مناطقی که از فرهنگ متعارف مصون هستند؛ مانند هنر کودک، هنر اولیه و هنر مجنون. بچه‌ها هنوز آموزش ندیده بودند، هنرمندان قبیله‌ای چیزی از سنت‌های هنری اروپایی نمی‌دانستند و گمان می‌رفت که دیوانه‌ها در اثر روان‌پریشی‌شان منجینق شده‌اند. آثار هنری یا مصنوعاتی که از این نواحی به دست می‌آمدند (Mavlagan, 2008: 7-8).

ژان دوبوفه به هنر افراد دارای بیماری روانی پرداخت. در سال ۱۹۴۵، ژان دوبوفه هنر خام را این چنین توصیف کرد: «همه آثاری که آزادانه یا بیرون از اراده آفرینندگان‌شان، مستقل از هر گونه نهاد فرهنگی و اقتصادی مرتبط با دنیای هنری به وجود می‌آیند. بنابراین فرمول او شامل همه آثاری می‌شد که به شکل خود جوش از خلال بیان آزاد و تنها برای ضرورت از خود سخن گفتن با خود و با جهان پیرامون آفریده شده بودند.

ژان دوبوفه در متن معرفی نامه نمایشگاه بزرگی که در پاریس، در موزه هنرهای تزئینی به سال ۱۹۶۷ ترتیب داده بود، چنین می‌نویسد: «مانند تنها به هنر فرهنگی احترام نمی‌گذاریم بلکه بی‌ارزش شمردن آثاری را که در این نمایشگاه ارائه شده‌اند، رد می‌کنیم و آن‌ها را بسیار ارزشمندتر از آثاری می‌دانیم که هنرمندان حرفه‌ای خلق می‌کنند؛ چراکه این آثار ثمره تنهایی و انگیزشی حقیقی، ناب و خلاقانه‌اند و هیچ‌گونه هدف رقابت و دستیابی به موقعیتی اجتماعی

و یا ارتقاء در آن‌ها مداخله ندارد و حتی در برابر این آثار ما احساس می‌کنیم که هنر فرهنگی، در کلیت آن، بازی جامعه‌ای سطحی و نوعی نمایش ساختگی است.»

ژان دوبوفه در این نمایشگاه آثار متعددی را از هنرمندان خامی که طی سالیان دراز جمع‌آوری کرده بود تحت عنوان «هنر خام» به نمایش گذاشت؛ این فعالیت با نمایشگاهی در سال ۱۹۴۷ دنبال شد. دوبوفه در آن زمان به اثبات فرمول خود از آثاری که از این دسته از هنرمندان جمع‌آوری کرده بود را آغار کرد (این آثار اکنون در موزه‌ای در لوزان نگهداری می‌شود). دوبوفه این آثار را به دور از پیروی از قوانین خشک ساختار هنری و قوانین فرهنگی و سود جویانه برمی‌گزید. او در این آثار خلوص هنری بیشتری را مشاهده می‌کرد و بر این باور بود که تنها آثاری که خودجوش آفریده شده‌اند و قاعده و قانون و نقد هنر را نادیده گرفته‌اند، می‌توانند حقیقتاً هنر باشند. آثار افرادی که دوبوفه گردآوری کرده بود، عموماً خارج از منطق تولید مدرنیته آن زمان می‌زیستند؛ این افراد شامل بیماران روانی، معنادان، زندانیان، سالخورده‌گان، افراد گوشه‌گیر، پرولترها، افراد دارای ترومای شدید بودند. این افراد از ناهمخوان‌ترین مواد برای کشیدن تابلو، ترکیب‌بندی و مجسمه‌سازی استفاده می‌کردند. این آثار کاملاً ناخودآگاهانه و دربردارنده ویژگی‌های فرهنگ معاصر بود. در آثار هنر خام رنگ‌ها، مواد و ابزار و نشانه‌های ابتدایی هستند که ایجاد مسیرهای زیباشناختی ویژه‌ای می‌کنند که با قوانین دنیای هنر مطابقت ندارد. خارج موقعیت‌های تثبیت‌شده فرهنگ رسمی بودند، به عنوان شاهدهی برای وجود انگیزه خلاقانه بنیادی تلقی می‌شدند که با پیچیدگی‌های تمدن پوشانده شده بود (پارمزانی، ۱۴۰۱: ۹۳-۹۴).

بیمار روانی

اصطلاح بیمار روانی (Inmate) به فردی اطلاق می‌شود که با مشکلات روانی و رفتاری مواجه است و به دلیل این مشکلات قادر به انجام کارهای روزمره و تعامل با دیگران به طور عادی نیست. بیماری‌های روانی می‌توانند شامل اضطراب، افسردگی، اختلالات خوردن، اختلالات شخصیت و غیره باشند (طاهری و نصیریان، ۱۳۹۵: ۱۵) و برای قرن‌ها با بیماری‌هایی که از اختلال‌های روانی (mental disorders) رنج می‌بردند، به شیوه‌های کاملاً وحشیانه و بدوی برخورد می‌شد. این باور که علت اختلال‌های روانی، شیاطین و نیروهای متافیزیکی هستند، یک باور رایج بود. شیوه متداول درمان بیماران روانی این بود

که شرایط بدنی بیمار را به قدری نامناسب کنند تا شیطان مجبور به ترک بدن او گردد. از این رو بیمار را با آب جوش غسل می‌دادند، او را شلاق می‌زدند، به او گرسنگی می‌دادند یا او را شکنجه می‌کردند. زیگموند فروید یکی از نخستین روان‌شناسانی بود که نیاز به شیوه‌های درمانی و ارائه یک رویکرد جامع در این زمینه را احساس کرد و روان‌کاوری را بر این مبنای ایجاد کرد (مهیر و دوسیوری، ۱۳۸۵: ۱۰).

علم روان‌شناسی دلایل بسیاری را برای بروز انواع اختلال روانی بیان کرده است، اما هر نوع اختلال روانی برآیند عوامل محیطی، خانوادگی، ژنتیک و در نهایت، خواست و اراده فرد می‌باشد. بیماری روانی یک بیماری جسمی مرتبط با مغز است که باعث ایجاد اختلالاتی در تفکر، رفتار، توانایی یا احساسات می‌شود که سازگاری با نیازهای عادی زندگی را دشوار می‌سازد. در این بین، آموزش‌هایی که فرد در طی زندگی خود از طریق خانواده، دوستان، مدرسه، محیط کار دیده است، نقش فوق‌العاده‌ای بر شکل‌گیری اختلال‌های روانی او دارد. امروزه، ساکنان کلان‌شهرها به نسبت شهرهای حاشیه‌ای و روستاها بسیار بیشتر در معرض ابتلا به انواع اختلال‌های روحی روانی هستند.

اختلال‌های روانی انواع مختلفی دارند که برخی از معروف‌ترین آن‌ها عبارتند از: اختلالات خلقی، اختلالات اضطرابی، اختلالات روان‌پریشی، اختلالات شبه جسمی، اختلالات ناشی از مصرف مواد مخدر، اختلالات خوردن، اختلالات خواب، اختلالات شخصیت، اختلالات انطباقی، اختلالات روان‌تنی، اختلالات جنسی، اختلالات شناختی، کنترل تکانه، خودنگارپنداری.

نقاشی

هنر بیان ایده‌ها و احساس‌ها در یک زبان بصری دو بعدی که دارای کیفیت‌های زیباشناختی خاصی باشند. عناصر اساسی زبان نقاشی عبارتند از: خط، شکل، رنگ، رنگ سایه و بافت (رنگ مهم‌ترین عنصر در نقاشی به شمار می‌آید). با به کارگیری این عناصر از راه‌های مختلف می‌توان جلوه‌های حجم، فضا، نور و حرکت را بر روی سطحی تخت (بوم، تخته، مقوا و غیره) پدید آورد. چگونگی ترکیب این عناصر توسط هنرمند کیفیت بیان هنری اثر نقاشی را نشان می‌دهد. بنابراین، هر اثر نقاشی خواه بازنمایی پدیده‌ای واقعی یا فوق طبیعی باشد، خواه تجسم مضمونی روایی و یا نمایش روابط بصری کاملاً انتزاعی، بر یک الگو یا طرح بیان‌گر و دلالت‌کننده استوار است. هنر نقاشی از دیرباز وظایفی چون روایت، توصیف، مستندنگاری،

داستان‌پردازی و تبلیغ بر عهده داشت، ولی از اواخر سده نوزدهم با کنار گذاشتن این وظایف به خلوص و استقلال بیانی دست یافت. به هر حال، هنرمند نقاش پیام بصری خود را بر حسب کیفیات حسی، امکانات بیانی و محدودیت‌های غالب، شیوه و وسیله کارش ابلاغ می‌کند. تنوع سبک‌های نقاشی نیز نتیجه تاثیر همین عوامل است (پاکباز، ۱۳۹۷: ۷۰۷).

مجسمه‌سازی

هنر تولید شکل‌های سه بعدی از اشیا و انسان‌ها با استفاده از مواد مختلفی مانند سنگ، چوب، فلز و غیره. هنرمند با استفاده از تخیل و خلاقیت خود، شکل‌هایی را ایجاد می‌کند که اغلب بر اساس موضوعاتی از جمله تاریخ، فرهنگ و دینی هستند. مجسمه‌سازی یکی از هنرهایی است که برای تولید آثار به طور کلی نیاز به تمرکز و دقت زیادی دارد و از هنرمندان نیاز به داشتن تجربه و تخصص در زمینه مواد و تکنیک‌های مجسمه‌سازی دارد. در عصر حاضر، با پیشرفت فناوری، مجسمه‌سازی با استفاده از نرم افزارهای کامپیوتری و پرینترهای سه بعدی نیز انجام می‌شود که به هنرمندان این امکان را می‌دهد که بتوانند شکل‌های پیچیده‌تری را با دقت بیشتری تولید کنند (پاکباز، ۱۳۹۴: ۲۲۸۵). مجسمه‌سازی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین هنرهای انسانی در تاریخ شناخته می‌شود. آثار مجسمه‌سازی از دوران باستان مانند دوران سومری، بابلی، آشوری، فرعون، یونانی و رومی باقی مانده‌اند و از اهمیت بسزایی برخوردارند. در هنر یونان باستان، مجسمه‌سازی به عنوان یکی از فنون برجسته هنری شناخته شد و هنرمندان یونانی مانند فیدیاس، پرایکساتلس و اسکالاپیوس به عنوان برترین مجسمه‌ساز تاریخ شناخته می‌شوند. در عصر وسطا نیز، مجسمه‌سازی به عنوان یکی از مهم‌ترین هنرها مورد توجه قرار گرفت و در این دوران، هنرمندان همچون دوناتلو، مایکل آنژلو، و رکیو و ژان فرانچه درومی به عنوان برترین مجسمه‌سازان شناخته می‌شوند. مجسمه‌سازی تا به امروز نیز به عنوان یکی از هنرهای پرطرفدار بین هنرمندان است و هنرمندان مانند گذشته به این هنر ادامه می‌دهند (پاکباز، ۱۳۹۴: ۱۶۳۱).

تحلیل آثار

در این مقاله به تحلیل چند اثر تجسمی که شامل ۶ نقاشی و ۳ مجسمه از بیماران روانی بیمارستان دکتر حجازی مشهد است، می‌پردازم. این آثار در کارگاه هنر کاردرمانی بیمارستان

در طی چند جلسه از بیماران تهیه شده است. لازم به ذکر است که این افراد کاملاً بدون آموزش قبلی و تنها با در اختیار گذاشتن ابزار و مواد و به صورت کاملاً ذهنی و تخیلی به تولید این آثار پرداخته‌اند.



تصویر ۱: بت‌شکن، طاهره (بیمار اسکیزوفرنی)، ۵۰ در ۷۰،
اکریلیک روی بوم

تصویر ۱ توسط یک بیمار روانی خانم به نام طاهره، مبتلا به اسکیزوفرنی با ۵۲ سال سن کشیده شده است. این شخص به مدت ۳۰ سال در آسایشگاه روانی بستری است و هیچ‌گونه آموزشی در این باب ندیده است، اما استعداد خاصی در زمینه نقاشی دارد. او به قدری با مهارت و آسودگی به این کار می‌پردازد که گویی سال‌هاست با قلم و رنگ آشنایی دارد. او تصویرهای خیالی خود را از افراد روی کاغذ می‌آورد و به خوبی رنگ‌ها را در کنار هم می‌چیند؛ گویی در ضمیر ناخودآگاه خود با رنگ‌ها آشنایی دارد.



تصویر ۲: قایق، مهدی (بیمار اسکیزوفرنی)



تصویر ۲ توسط مهدی بیمار مبتلا به اسکیزوفرنی حاد کشیده شده است. این شخص سال‌هاست در آسایشگاه روانی بستری است و هیچ‌گونه آموزشی در این زمینه ندیده است. خطوط در این طراحی گویا و دارای حس است و بیمار تمام تشویش خود را در این خطوط می‌آورد. گویا استعدادی ذاتی در این شخص نهفته است.

تصویر ۳: مادر، طاهره (بیمار اسکیزوفرنی)، ۵۰ در ۷۰، اکریلیک
روی بوم



تصویر ۳ توسط طاهره بیمار شماره یک کشیده شده است. او به خوبی نماد مادر را که سینه‌ای برای شیر دادن فرزند دارد، به تصویر کشیده است. او همیشه در نقاشی‌هایش یک گل لاله می‌کشد. کارهای او ما را به یاد نقاشی به نام بازلیتس می‌اندازد.

تصویر ۴: شوهر، طاهره (بیمار اسکیزوفرنی)، ۵۰، ۷۰، اکریلیک روی بوم

تصویر ۴ نیز توسط طاهره نقاش تصویر شماره ۱ و ۴ کشیده شده است. نکته‌ای که در کارهای او قابل توجه است برخورد او با پرتره هر شخص ذهنی با رنگ‌هایی متفاوت است. طاهره را می‌توان در زمینه رنگ دارای استعداد ذاتی دانست. کارهای او شبیه به بازلیتس است.

تصویر ۵ یک مجسمه است که توسط بیمار روانی مبتلا به اسکیزوفرنی ساخته شده است. این صورتک به صورت ذهنی و برگرفته از تخیل و وهم آلودگی فرد است و شباهت به صورتک‌های نصرت کریمی دارد.

تصویر ۶ مجسمه انسان است که توسط بیمار مبتلا به اسکیزوفرنی ساخته شده است. این مجسمه که با گل سفال در دستان این بیمار ساخته شده است، دارای کاراکتر به خصوصی می‌باشد که از ذهن خلاق این بیمار خبر می‌دهد. این مجسمه شبیه به آثار نصرت کریمی است.

تصویر ۷ یک تسبیح است. سازنده این اثر، مردی ۷۵ ساله به نام عباس است. او که به مدت ۴۰ سال در این آسایشگاه بستری است و مدام در حال استفاده از دست‌های خود است، به گونه‌ای که همیشه تکه پارچه یا وسیله‌ای را در دست دارد و در حال گره زدن و ساختن ابزاری است. وسیله‌ای که نام آن را تسبیح گذاشته است، از تکه‌های پلاستیک و هسته خرما درست شده است که ما را به یاد دست سازه‌های هنرمند خامی به نام میشل نجار می‌اندازد. تصویر ۸ توسط بیماری به نام عباس کشیده شده است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، این شخص با هیجانات و استفاده مداوم از دست‌هایش، دارای روحیه‌ای شاد و هذیان‌گو است؛ به



تصویر ۵: صورت، بیمار روانی ناشناس، ۵ سانتی متر، سفال / تصویر ۶: انسان، بیمار روانی ناشناس، ۱۵ سانتی متر، سفال / تصویر ۷: تسبیح، عباس (بیمار اسکیزوفرنی)، ۲۰ سانتی متر، پلاستیک
طوری که این خصوصیت در شکل‌ها و فرم‌ها و خط‌هایش قابل مشاهده است. مشاهده آثار نقاشی این بیمار نقاشی‌های ژان دوبوفه و آلفرد مانیسه را یادآور می‌شود.



تصویر ۸: رمز، عباس (بیمار اسکیزوفرنی)، ۵۰ در ۶۰، اکریلیک روی بوم

نقد و بررسی

با توجه به نمونه تصاویری که از آثار بیماران روانی در بخش گذشته مشاهده کردیم، می‌توانیم به نکاتی در مورد هنر این افراد بپردازیم. از جمله نکات قابل توجه، خلاقیت در آثار این افراد است. همان‌طور که در توضیحات این دسته از هنرمندان اشاره شد، خلاقیت یکی از ویژگی‌های بارز هنر خام است. در آثار تجسمی بیماران روانی، می‌توان خلاقیت و جنبه‌های نوینی را مشاهده کرد که اغلب در هنر رسمی و تعلیم‌یافته دیده نمی‌شود و به صورت کاملاً خودجوش در آثارشان تجلی می‌یابد. مورد بعدی، نمادگرایی در آثار هنرمندان خام است. آثار تجسمی بیماران روانی معمولاً دارای عناصر نمادگرایی هستند که می‌تواند به عنوان ابراز داستان‌ها، احساسات، هذیان‌ها و تجربیات شخصی این دسته از افراد

تلقی شود. بیشتر این نمادگرایی‌ها در نقاشی‌هایشان متجلی می‌شود؛ به گونه‌ای که هر کدام به نوبه خود نمادی را در نقاشی‌شان تکرار می‌کنند که برای این نمادها داستان‌ها و روایات مخصوص خودشان را دارند؛ به گونه‌ای که این نمادها نشان دهنده نوع اختلال، آسیب‌ها، آرزوهای دست نیافته، هذیان‌ها و نوع نگرششان به محیط پیرامون را نشان می‌دهند. مورد بعدی، استفاده از رنگ در آثار این اشخاص است. همان طور که از نمونه تصاویر پیداست، استفاده از رنگ‌های شاداب و زنده، ترکیبات رنگی جسورانه و تکنیک‌های نقاشی که از قوانین هنری رایج انحراف می‌کنند، مشاهده می‌شود.

تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز می‌تواند مورد توجه باشد. بررسی آثار هنری بیماران روانی در بیمارستان دکتر حجازی نشان می‌دهد که تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در این آثار به خوبی قابل تشخیص است و می‌تواند نشان دهنده تأثیرات محیط اجتماعی و فرهنگی بر روی آن‌ها باشد.

نتیجه

اصطلاح هنر خام را ژان دوبوفه، نقاش برجسته فرانسوی بعد از جنگ جهانی دوم مطرح کرد. در سال ۱۹۴۵، ژان دوبوفه هنر خام را این چنین توصیف کرد: «همه آثاری که آزادانه یا بیرون از اراده آفرینندگان‌شان، مستقل از هر گونه نهاد فرهنگی و اقتصادی مرتبط با دنیای هنری به وجود می‌آیند». بنابراین فرمول او، شامل همه آثاری می‌شد که به شکل خودجوش از خلال بیان آزاد و تنها برای ضرورت از خود سخن گفتن با خود و با جهان پیرامون آفریده شده بودند.

در این پژوهش، به بررسی آثار بیماران روانی کارگاه هنر واقع در واحد کار درمانی بیمارستان روانی دکتر حجازی مشهد پرداختم و آثار هنری این بیماران را از دیدگاه هنر خام مورد بررسی قرار دادم. در این کارگاه که به مدت سه ماه از بیماران آثاری دریافت شد، تعدادی از افراد را یافتم که استعدادی نهفته در زمینه هنر داشتند. در این کارگاه، هنردرمانی را جدا از این پژوهش دانستم؛ چراکه هدف اصلی هنردرمانی درمان است؛ نه آفرینش هنری. آثاری که در این کارگاه توسط بیماران روانی تولید می‌شد، با نهایت آزادی عمل و بدون هیچ‌گونه آموزش قبلی و تنها برای بیان شخصی احساسشان در لحظه شکل گرفته بود. در این میان، آثار برخی از بیماران دارای ارزش هنری درخور توجه است که بیمار به طور ناخودآگاه و با

شور و شوق درونی به خلق آن پرداخته و خود به این امر واقف نیست و ادعایی در این زمینه ندارد، بنابراین این امر خام بودن آثار این هنرمندان را به ما نشان می‌دهد و می‌توانیم آنان را هنرمندان خامی بدانیم که نیاز به معرفی و دیده شدن در جامعه هنری را دارند.

منابع

- پارمزان، لوراندا. (۱۴۰۱). شورشیان هنر قرن بیستم: جنبش‌ها، نظریه‌ها، مکاتب و گرایش‌ها. ترجمه مریم چهرگان و سمانه میرعابدی. تهران: نظر.
- پاکباز، رویین. (۱۳۹۶). در جست‌وجوی زبان نو تحلیلی بر سیر تحول هنر نقاشی در عصر جدید. تهران: نگاه.
- پاکباز، رویین. (۱۳۹۷). *دایرةالمعارف هنر یک جلدی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- پور رضائیان، مهدی و غلامی، محسن. (۱۳۸۹). «تحلیل شباهت‌های موجود میان نقاشی‌های بیماران روانی و نقاشان بزرگ جهان». نگره. (۱۴)۵. ۶۵-۷۳.
- طاهری، داوود و نصیریان، محمدرضا. (۱۳۹۵). *راهنمای جامع تشخیص و درمان اختلالات روانی*. تهران: ارجمند.
- وایس، آلن. (۱۳۹۴). *فرم‌های فروپاشیده: هنر خام، فانتاسم‌ها و مدرنیسم*. ترجمه سدنا پرینی و پویا غلامی. تهران: چشمه.
- Maclagan, David. (2009). *Outsider Art: From the Margins to the Marketplace*. London: Reaktion Book Ltd.